فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام
شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره بیستم (پاییز ۱۴۰۳)

مطالعه تاثیر اعتماد مدیریت بر تامین مالی داخلی و اهمیت سرمایه گذاری در شرکتها

(تاریخ ارسال ۱۴۰۳/۰۸/۱۹ تاریخ پذیرش ۱۴۰۳/۰۹/۲۵)

عبدالقادر باوردی[۱]

کارشناسی ارشد رشته مدیریت دولتی، گرایش مدیریت مالی دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

چکیده

هدف این مطالعه بررسی تأثیر اعتماد مدیریت بر تأمین مالی داخلی و نقش آن در افـزایش سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها است. در دنیای پیچیده و رقابتی امروز، اعتمـاد بـه عنـوان یـک عامل کلیدی در تصمیم‌گیری‌های مالی و سرمایه‌گذاری به شـمار می‌آیـد. ایـن تحقیـق بـا استفاده از داده‌های تجربی از شرکت‌های مختلف، به تحلیل رابطه بـین اعتمـاد مـدیریت و تأمین مالی داخلی پرداخته و نشان می‌دهد که افزایش سطح اعتماد در مدیریت می‌تواند به بهبود فرآیندهای تأمین مالی داخلی و در نتیجه افزایش سـرمایه‌گذاری‌های داخلـی منجـر شود. نگرش مدیران و اطمینان بیش از حد مدیران بر دانسته ها و یافته های خود می تواند در انتخاب تصمیم های تامین مالی و سرمایه گذاری تاثیرگـذار باشـد، زمـانی کـه مـدیران دارای بیش اطمینانی می باشند، به نظرات افراد و کارشناسان متخصص کمتر توجه نموده و براساس دانسته های خود اقدام به سرمایه گذاری می نمایند، این موضوع می تواند منجر به تصمیم گیری های نادرست در رابطه با بهتـرین شـیوه تـامین مـالی و نیـز بهتـرین گزینـه سرمایه گذاری شود. در این تحقیق، از منابع کتابخانه‌ای شامل مقـالات علمـی، کتاب‌هـا، و گزارش‌های معتبر استفاده شده است تا اطلاعات لازم درباره تأثیر اعتماد مدیریت بر تـأمین مالی داخلی و سرمایه‌گذاری جمع‌آوری شود. با مرور ادبیات موجود، بـه تحلیـل نظریـات و مدل‌های مرتبط پرداخته و داده‌های تجربی از مطالعات قبلی استخراج شده است. همچنین،

[۱] qader.bawerdi@yahoo.com

با استفاده از تحلیل محتوا، به شناسایی الگوها و روابط میان متغیرها پرداخته شده است. این روش به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که به درک عمیق‌تری از موضوع و نتایج حاصل از تحقیقات پیشین دست یابد. در نهایت، یافته‌ها به صورت سیستماتیک جمع‌بندی و تحلیل شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که دارای سطوح بالاتری از اعتماد مدیریت هستند، قادر به جذب منابع مالی بیشتری از داخل سازمان و همچنین افزایش توانایی خود در سرمایه‌گذاری در پروژه‌های جدید و نوآورانه می‌باشند. این یافته‌ها اهمیت اعتماد در مدیریت را در تسهیل فرآیندهای مالی و تأثیر آن بر رشد و توسعه پایدار شرکت‌ها تأکید می‌کند. در نهایت، این مطالعه پیشنهاداتی برای مدیران و سیاست‌گذاران ارائه می‌دهد تا با تقویت اعتماد در مدیریت، به بهبود تأمین مالی داخلی و افزایش سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها کمک کنند.

واژه‌های کلیدی: اعتماد مدیریت، تأمین مالی داخلی، سرمایه‌گذاری، شرکت‌ها، تصمیم‌گیری مالی

۱- مقدمه

در دنیای پیچیده و رقابتی امروز، مدیریت مؤثر و کارآمد به عنوان یکی از عوامل کلیدی موفقیت سازمان‌ها شناخته می‌شود. یکی از جنبه‌های حیاتی در این زمینه، اعتماد مدیریت است که می‌تواند تأثیرات عمیقی بر فرآیندهای مالی و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها داشته باشد. اعتماد به عنوان یک عنصر اساسی در روابط بین مدیران و ذینفعان، نقش مهمی در تسهیل ارتباطات، کاهش هزینه‌های معاملاتی و بهبود تصمیم‌گیری‌های مالی ایفا می‌کند.[۳] تحقیقات نشان می‌دهد که سطوح بالای اعتماد در مدیریت می‌تواند به بهبود تأمین مالی داخلی کمک کند و در نتیجه، شرکت‌ها را قادر به جذب منابع مالی بیشتری از داخل سازمان می‌سازد. این امر نه تنها به افزایش توانایی شرکت‌ها در سرمایه‌گذاری در پروژه‌های

نوآورانه و توسعه پایدار کمک می‌کند، بلکه به تقویت موقعیت رقابتی آن‌ها در بازار نیز منجر می‌شود.[۱]

تأثیرگذاری احساسات بر فرآیند تصمیم گیری و نیز اطمینان بیش از حد افراد بر دانسته های خود، از جمله موضوعاتی هستند که می تواند منجر به انتخاب نادرست پروژه های سرمایه گذاری شود. اعتماد بیش از حد (فرا اطمینانی) یک پدیده شناخته شده و مستند شده در روانشناسی است. روانشناسان یک فرد با ویژگی های رفتاری فرا اطمینانی را به عنوان فردی تعریف می کنند که اعتقاد دارد اطلاعات و دانش ایشان بسیار دقیق است (بیش از آنچه که واقعیت دارد(. متون مربوط به روانشناسی دو تعریف از اعتماد بیش از حد ارائه داده اند. نخست، افراد برآورد بیش از واقع از توانایی های خود دارند و دوم اینکه برداشت افراد از یک رویداد غیرواقعی می باشد، در هر یک از این موارد، کارگزاران اقتصادی بر این باور هستند که اطلاعات دقیقتری از دیگران دارند. در حال حاضر، اقتصاددانان مالی بیشتر علاقمند شده اند تا بازتاب فرا اطمینانی را بر روی تصمیمات مالی و عملکرد بازارهای مالی مشاهده کنند. اعتماد بیش از حد آنچنان پدیده روانشناختی قوی است که تجربه نیز نمی تواند آن را حذف کند.[٤]

بنابراین، این مقاله به بررسی تأثیر اعتماد مدیریت بر تأمین مالی داخلی و اهمیت آن در سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها می‌پردازد. با تحلیل داده‌های تجربی و مرور ادبیات موجود، هدف این تحقیق شناسایی روابط میان این متغیرها و ارائه راهکارهایی برای تقویت اعتماد در مدیریت به منظور بهبود فرآیندهای مالی و افزایش سرمایه‌گذاری در سازمان‌ها است.

۱-۱- بیان مسئله

در دنیای کسب‌وکار امروز، شرکت‌ها با چالش‌های متعددی در زمینه تأمین مالی و سرمایه‌گذاری مواجه هستند. یکی از عوامل کلیدی که می‌تواند بر فرآیندهای مالی و تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری تأثیر بگذارد، اعتماد مدیریت است. اعتماد به عنوان یک عنصر اساسی در روابط بین مدیران و ذینفعان، می‌تواند به تسهیل ارتباطات، کاهش تنش‌ها

و بهبود همکاری‌ها کمک کند. با این حال، در بسیاری از سازمان‌ها، سطوح پایین اعتماد می‌تواند منجر به عدم شفافیت، کاهش انگیزه کارکنان و در نتیجه، محدودیت در تأمین مالی داخلی و سرمایه‌گذاری‌های استراتژیک شود.

این مسئله به‌ویژه در شرایط اقتصادی ناپایدار و رقابتی بیشتر به چشم می‌آید، جایی که شرکت‌ها نیاز دارند تا منابع مالی خود را به‌طور مؤثر مدیریت کرده و در عین حال به دنبال فرصت‌های جدید سرمایه‌گذاری باشند. عدم وجود اعتماد کافی در مدیریت می‌تواند به عدم بهره‌وری و ناکامی در جذب سرمایه‌های داخلی منجر شود، که این امر در نهایت بر رشد و توسعه پایدار شرکت‌ها تأثیر منفی خواهد گذاشت.

بنابراین، این تحقیق به بررسی تأثیر اعتماد مدیریت بر تأمین مالی داخلی و اهمیت آن در فرآیندهای سرمایه‌گذاری می‌پردازد. هدف اصلی این است که با شناسایی و تحلیل این روابط، به درک بهتری از چگونگی تقویت اعتماد در مدیریت و تأثیر آن بر بهبود تأمین مالی و سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها دست یابیم.

۲- مبانی پژوهش

مبانی پژوهش در مقاله‌ای که به بررسی تأثیر اعتماد مدیریت بر تأمین مالی داخلی و اهمیت سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها می‌پردازد، شامل چندین جنبه نظری و عملی است که به درک بهتر موضوع کمک می‌کند. این مبانی شامل موارد زیر است:

نظریه اعتماد: نظریه‌های مختلفی درباره اعتماد وجود دارد که به بررسی ابعاد و عناصر آن می‌پردازند. این نظریه‌ها شامل اعتماد بین فردی، اعتماد سازمانی و تأثیر آن بر روابط تجاری و مالی هستند. در این تحقیق، به بررسی چگونگی تأثیر اعتماد مدیریت بر تصمیم‌گیری‌های مالی و سرمایه‌گذاری پرداخته می‌شود.

مدل‌های تأمین مالی داخلی: تأمین مالی داخلی به منابع مالی که از داخل سازمان تأمین می‌شود، اشاره دارد. این مدل‌ها شامل سود انباشته، کاهش هزینه‌های غیرضروری و بهینه‌سازی منابع موجود هستند. در این بخش، ارتباط بین اعتماد مدیریت و بهبود فرآیندهای تأمین مالی داخلی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اهمیت سرمایه‌گذاری: سرمایه‌گذاری به عنوان یک عامل کلیدی در رشد و توسعه شرکت‌ها شناخته می‌شود. این بخش به تحلیل اهمیت سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نوآورانه و تأثیر آن بر رقابت‌پذیری و عملکرد مالی شرکت‌ها می‌پردازد. همچنین، ارتباط بین اعتماد مدیریت و افزایش سرمایه‌گذاری‌های داخلی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

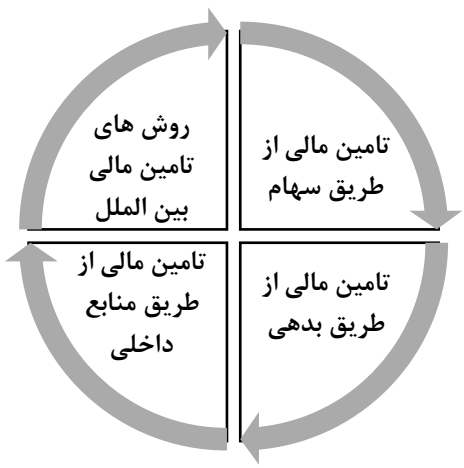
روش‌شناسی تحقیق: این تحقیق از روش‌های کیفی و کمی برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها استفاده می‌کند. به‌کارگیری ابزارهای آماری و تحلیل محتوا به منظور بررسی روابط میان متغیرها و ارائه نتایج معتبر و قابل اعتماد از دیگر مبانی پژوهش است. این مبانی پژوهش به شکل‌گیری چارچوب عملی تحقیق کمک کرده و زمینه‌ساز تحلیل دقیق‌تر تأثیر اعتماد مدیریت بر تأمین مالی داخلی و اهمیت سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها می‌شود.

۱-۲- مدیریت تامین مالی

نهادهای مالی مانند بانک‌ها وظیفه تأمین سرمایه برای کسب‌وکارها، مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران را بر عهده دارند و در این مسیر به تحقق اهداف آن‌ها کمک می‌کنند. استفاده از تأمین مالی در هر سیستم اقتصادی حیاتی است؛ زیرا به شرکت‌ها امکان خریداری کالاهایی را می‌دهد که از دسترس مستقیم آن‌ها خارج است.[۱]

به عبارت دیگر، تأمین مالی راهی برای استفاده از ارزش زمانی پول (TVM) است تا جریان‌های نقدی آتی مورد انتظار را برای پروژه‌های آغازشدهٔ امروز به کار گرفت. بعضی افراد در یک اقتصاد دارای پول مازاد هستند و می‌خواهند آن را به کار گیرند تا بازدهی

کسب کنند؛ از طرفی دیگران به پول نیاز دارند تا سرمایه‌گذاری انجام دهند (همچنین با امید به کسب بازدهی)، و این امر بازاری برای پول ایجاد می‌کند.[۷]



نمودار شماره ۱: انواع روش های تامین مالی،[۷]

۱-۱-۲-مزایای تامین مالی از طریق سهام

تامین مالی از طریق سهام مزایای زیر را دارد:[۵]

۱. بار مالی روی دوش شرکت نمی‌گذارد؛ زیرا سرمایه‌گذاران صرفاً در انتظار سود سهام هستند و ریسک‌های احتمالی را پذیرفته‌اند. اگر شرکت ورشکست شود، آن‌ها پذیرفته‌اند که سرمایه خود را از دست می‌دهند.

۲. در این روش سازمان پرداخت ماهانه ثابت ندارد؛ بنابراین برای هزینه‌های عملیاتی پول نقد بیشتری در دسترس خواهد داشت.

۳. به‌دلیل درک سرمایه‌گذاران از شرایط راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکار و عدم انتظارشان از رونق کوتاه‌مدت، شما بدون فشار روانی پول موردنیازتان را به دست می‌آورید.

۴. افزایش اعتبار کسب‌وکار

۲-۱-۲- مزایای تامین بدهی از طریق بدهی

تامین مالی از طریق بدهی مزایای زیر را دارد:[۸]

۱. حفظ مالکیت کامل شرکت توسط بنیانگذاران و مدیران. در روش تامین مالی از طری بدهی شرکت همچنان مالکیت کامل خود را حفظ می‌کند و وام‌دهندگان حق دخالت در مدیریت شرکت را ندارند.

۲. قطع ارتباط سازمان با وام‌دهندگان. شرکت فقط متعهد به بازپرداخت اصل وام است و برخلاف روش تامین مالی از طریق سهام نیازی به پرداخت سود به وام‌دهندگان ندارد.

۳. کاهش سود بازپرداخت وام از مالیات؛ به‌دلیل اینکه به‌عنوان هزینه کسب‌وکار در نظر گرفته شده است.

۴. ارائه سند رسمی برای وام

۳-۱-۲- مزایای تأمین مالی داخلی

۱. مقرون‌به‌صرفه بودن: در تأمین مالی داخلی از منابع داخلی کسب و کار نیازی به پرداخت بهره یا سود به افراد یا نهادهای خارجی وجود ندارد. این امر موجب صرفه‌جویی در هزینه‌ها می‌شود.

۲. انعطاف‌پذیری: تأمین مالی داخلی تحت‌تأثیر نوسانات بازار مالی قرار نمی‌گیرد و صاحبان کسب و کار آزادی عمل بیشتری در تخصیص سرمایه دارند.[۹]

۳. کنترل بیشتر: استفاده از منابع داخلی کسب و کار باعث می‌شود که صاحبان کسب و کار کنترل کامل بر تصمیمات مالی و نحوه استفاده از سرمایه داشته باشند.[٦]

۴. ایجاد انگیزه برای مدیران: تأمین مالی از طریق آورده شخصی مدیران، انگیزه بیشتری را برای آن‌ها ایجاد می‌کند تا با جدیت بیشتری برای موفقیت کسب و کار تلاش کنند.

۲-۲- سرمایه گذاری

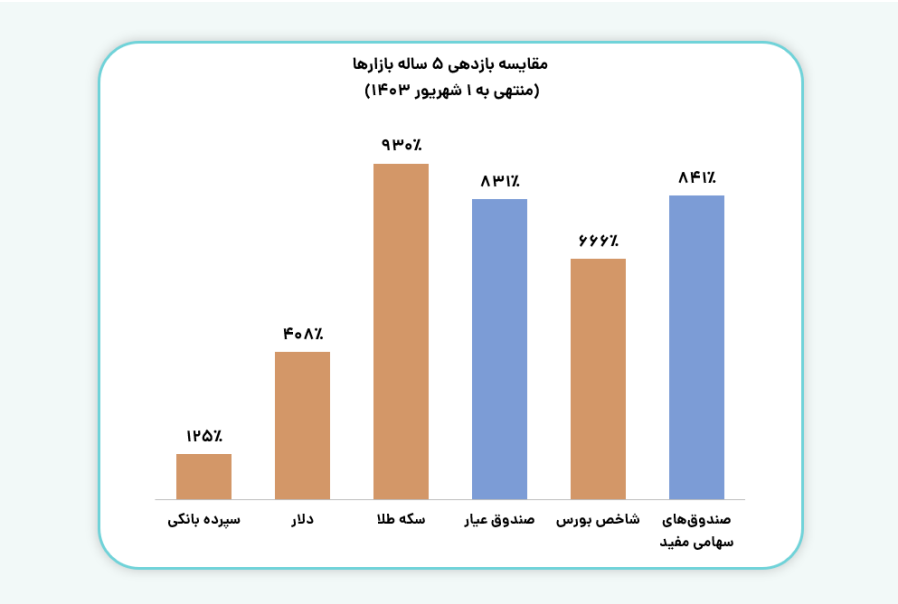
سرمایه‌گذاری به فرآیند تخصیص منابع مالی به دارایی‌ها، پروژه‌ها یا فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که هدف از آن کسب بازده یا سود در آینده است. این منابع می‌توانند شامل پول، زمان، انرژی یا دیگر منابع باشند. سرمایه‌گذاری معمولاً به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود:[۱۰]

سرمایه‌گذاری مالی: شامل خرید دارایی‌های مالی مانند سهام، اوراق قرضه، و صندوق‌های سرمایه‌گذاری است. هدف از این نوع سرمایه‌گذاری افزایش ارزش سرمایه و کسب درآمد از طریق سود تقسیمی یا فروش دارایی در آینده است.

سرمایه‌گذاری واقعی: شامل تخصیص منابع به دارایی‌های فیزیکی مانند املاک، ماشین‌آلات، و تجهیزات است. این نوع سرمایه‌گذاری به منظور افزایش ظرفیت تولید، بهبود کارایی و ایجاد ارزش افزوده در کسب‌وکارها انجام می‌شود.[۹]

سرمایه‌گذاری می‌تواند به عنوان یک ابزار کلیدی برای رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال و افزایش ثروت فردی و اجتماعی در نظر گرفته شود. با این حال، سرمایه‌گذاری همیشه با ریسک همراه است، زیرا بازده آینده ممکن است تحت تأثیر عوامل مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی قرار گیرد. بنابراین، تحلیل و ارزیابی ریسک‌ها و بازده‌های احتمالی از جنبه‌های مهم در فرآیند سرمایه‌گذاری به شمار می‌آید.

در علم اقتصاد، سرمایه گذاری به معنای تخصیص منابع مالی به یک یا چند دارایی مختلف، به امید به دست آوردن منابع با ارزش‌تر در آینده است. سرمایه گذاری می‌تواند به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم انجام شود. از انواع سرمایه گذاری می‌توان به خرید و فروش سهام شرکت‌ها، اوراق درآمد ثابت، مسکن، زمین، طلا، خودرو، ارزهای خارجی و ... اشاره کرد.[۱۱]

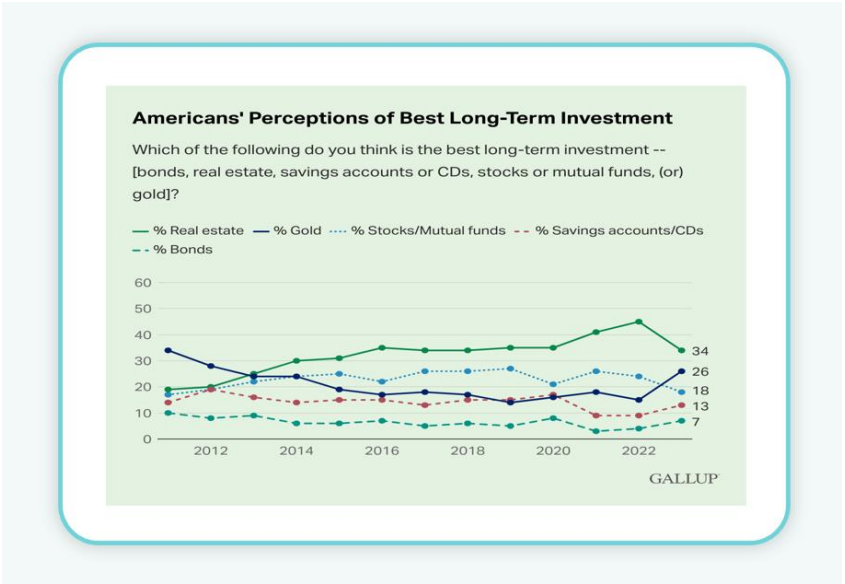


نمودار شماره ۱: بازدهی کلاس‌های دارایی مختلف، [۱۰]

همان‌گونه که از نمودار فوق قابل مشاهده است، در نظر داشتن افق زمانی مناسب و انتخاب گزینه‌های سرمایه‌گذاری صحیح، تاثیر بسیاری در رسیدن به اهداف مالی دارد. در نتیجه، رویکردی که هر شخص نسبت به درآمدهای خود دارد، می‌تواند نقش بسیار مهمی در وضعیت مالی آینده او داشته باشد. بنابراین:

"برای تضمین آینده مالی خود، باید ضمن داشتن یک منبع درآمدی مناسب، برنامه‌ای هدفمند برای درآمدهای کسب‌شده خود تنظیم کنید."

نمودار زیر که از وبسایت gallup.com آمده است، دیدگاه مردم آمریکا در خصوص بهترین روش سرمایه گذاری طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۳ را نمایش می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌کنید در سال ۲۰۲۲، بازار املاک و مستغلات با ۳۴ درصد، طلا با ۲۶ درصد، بورس با ۱۸ درصد، سپرده‌های بانکی با ۱۳ درصد و اوراق قرضه با ۷ درصد به ترتیب بهترین روش‌های سرمایه گذاری از نظر مردم آمریکا بوده‌اند.



نمودار شماره۲: مقایسه انواع روش‌های سرمایه گذاری از نظر مردم آمریکا، [۱۰]

۳- بحث و نتیجه گیری

در این مقاله به بررسی تأثیر اعتماد مدیریت بر تأمین مالی داخلی و اهمیت سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها پرداخته شد. نتایج نشان می‌دهد که اعتماد مدیریت به عنوان یک عامل کلیدی در بهبود فرآیندهای مالی و تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری نقش بسزایی دارد. سطوح بالای اعتماد در مدیریت می‌تواند منجر به افزایش شفافیت، کاهش هزینه‌های معاملاتی و بهبود همکاری‌ها میان مدیران و کارکنان شود که در نهایت به تأمین مالی داخلی بهتر و جذب منابع مالی بیشتر کمک می‌کند. همچنین، اعتماد مدیریت به عنوان یک پیش‌نیاز برای ایجاد یک فرهنگ سازمانی مثبت و نوآورانه شناخته می‌شود. این فرهنگ می‌تواند به شرکت‌ها کمک کند تا در پروژه‌های سرمایه‌گذاری جدید و نوآورانه مشارکت کنند و در نتیجه، موقعیت رقابتی خود را در بازار تقویت نمایند.

در زیر چالش‌ها و راهکارهای مرتبط با تأثیر اعتماد مدیریت بر تأمین مالی داخلی و اهمیت سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها به صورت جدول ارائه شده است:

جدول شماره۱: چالش‌ها و راهکارهای مرتبط با

تأثیر اعتماد مدیریت بر تأمین مالی داخلی

چالش‌ها	راهکارها
عدم شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها	ایجاد سیستم‌های شفاف گزارش‌دهی و ارتباطات
کاهش انگیزه و مشارکت کارکنان	تقویت فرهنگ سازمانی مبتنی بر اعتماد و همکاری
ریسک‌های مرتبط با عدم اعتماد	برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای تقویت اعتماد
مشکلات در تأمین مالی داخلی	توسعه برنامه‌های مالی و مشاوره‌ای برای مدیران
محدودیت در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی	بهبود روابط با سرمایه‌گذاران و ذینفعان
تأثیر منفی بر عملکرد مالی و رشد شرکت	ایجاد استراتژی‌های سرمایه‌گذاری و نوآوری
عدم وجود سیاست‌های مشخص برای مدیریت ریسک	تدوین و اجرای سیاست‌های مدیریت ریسک مؤثر

عدم شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها: یکی از چالش‌های اصلی که می‌تواند اعتماد را کاهش دهد، عدم شفافیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری است. این امر ممکن است منجر به سوءتفاهم و نارضایتی در میان کارکنان و ذینفعان شود.

کاهش انگیزه و مشارکت کارکنان: اگر کارکنان احساس کنند که نظرات و ایده‌های آن‌ها مورد توجه قرار نمی‌گیرد، انگیزه و مشارکت آن‌ها کاهش می‌یابد.

ریسک‌های مرتبط با عدم اعتماد: عدم اعتماد می‌تواند به ایجاد ریسک‌های مالی و عملیاتی منجر شود که بر عملکرد کلی شرکت تأثیر منفی می‌گذارد.

مشکلات در تأمین مالی داخلی: عدم وجود اعتماد می‌تواند به محدودیت در تأمین مالی داخلی و کاهش توانایی شرکت در سرمایه‌گذاری در پروژه‌های جدید منجر شود.

محدودیت در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی: سرمایه‌گذاران خارجی معمولاً به دنبال شرکت‌هایی با مدیریت قابل اعتماد هستند. عدم اعتماد می‌تواند جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی را دشوار کند.

تأثیر منفی بر عملکرد مالی و رشد شرکت: تمامی این چالش‌ها می‌توانند به کاهش عملکرد مالی و رشد شرکت منجر شوند.

عدم وجود سیاست‌های مشخص برای مدیریت ریسک: عدم وجود سیاست‌های مشخص می‌تواند به افزایش ریسک‌ها و عدم توانایی در مدیریت آن‌ها منجر شود.

با توجه به این چالش‌ها و راهکارها، شرکت‌ها می‌توانند استراتژی‌های مؤثری را برای تقویت اعتماد در مدیریت و بهبود تأمین مالی داخلی و سرمایه‌گذاری‌های خود پیاده‌سازی کنند.

به طور کلی، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تقویت اعتماد در مدیریت نه تنها به بهبود تأمین مالی داخلی کمک می‌کند، بلکه اهمیت سرمایه‌گذاری در پروژه‌های استراتژیک و نوآورانه را نیز افزایش می‌دهد. این امر به نوبه خود می‌تواند به رشد و توسعه پایدار شرکت‌ها و افزایش عملکرد مالی آن‌ها منجر شود.

در نهایت، پیشنهاد می‌شود که شرکت‌ها به ایجاد و تقویت اعتماد در مدیریت توجه ویـژه‌ای داشته باشند و استراتژی‌هایی را برای بهبود روابط بین مدیران و ذینفعان خـود پیاده‌سـازی کنند. این اقدامات می‌توانند به عنوان یک راهکار مؤثر برای بهبـود تـأمین مـالی داخلـی و افزایش سرمایه‌گذاری‌های استراتژیک در سازمان‌ها عمل کنند.

مراجع

[1] Bharati, R., Doellman, T., Fu, X., (2016). CEO confidence and stock return. Journal of Contemporary Accounting & Economics. 12, 89-110

[2] Biddle, Gary, Gilles Hilary and Rodrigo. s Verdi,(2009), " How does financial reporting quality relate to investment efficiency?", Journal of Accounting and Economics, Volume 48

[3] Boubakri, N., Cossert, J.C. and Saffar, W. (2012). Political connections and the cost of equity capital, Journal of Corporate Finance, Vol. 18 No. 3, pp. 541-559.

[4] Bouwman, C. H. (2015). Managerial optimism and earnings smoothing. Journal of Banking & Finance, 41, 283-303.

[5] Gaud, P., Jani, E., Hoesli, M. and Bender, A. (2005). The capital structure of Swiss companies: an empirical analysis using dynamic panel data. European Finance Management, 11, 51–69.

[6] Hackbarth, D. (2008). Managerial traits and capital structure decisions. Berkley: University of California (ATT 3105232 http://ssrn.com/abstract=362740)

[7] He Y , Chen C, Hu Y,(2018), Managerial Overconfidence, Internal Financing, and Investment Efficiency: Evidence from China , Research in International Business and Finance, 47 (1), 501-510

[8] Hribar P, Kim,J,Wilson,R,Yang,H, (2012)," Counterparty Responses to Managerial Overconfidence" ,business.uiuc.edu.

[9] Huang, R., Keng Tan, K.J., W.Faff, R., (2016). CEO overconfidence and corporate debt maturity. Journal of Corporate Finance. 36, 93-110.

[10] Huang, W., Jiang F., Liu, Z., and Zhang M. (2011). Agency cost, top executives' overconfidence, and investment-cash flow sensitivity- Evidence from listed companies in China. Pacific- Basin Finance Journal. Vol 19, Pp 261-277.

[11] Ishikawa, M., & Takahashi, H. (2010)."Overconfident Managers and External Financing Choice", Review of Behavioral Finance, 2, 37–58

[12] Liu X, Saidi R, Bazaz M. (2014). Institutional Incentives and Earnings Quality: The Influence of Government Ownership in China, Journal of Contemporary Accounting and Economics 10, 248-261